فصلنامهٔ علمی تخصصی پاسخ
سال هفتم، شمارهٔ ۲۸، زمستان ۱۴۰۱
صفحات ۶۱ ـ ۷۳

Pasokh Specialized
Academic Quarterly
Vol. 7, No. 28, winter 2023
PP: 61-73

آسیب‌شناسی حوزهٔ انقلابی؛ زمینه‌ها و عوامل*

سیدروح الله لطیفی**

چکیده

انقلابی‌گری ازجمله رسالت‌های انبیای الهی می‌باشد که به‌عنوان میراثی پایدار و ماندگار به وارثان حقیقی انبیا؛ یعنی حوزه‌های علمیه و روحانیت به یادگار مانده است و تاریخ اسلام همواره شاهد حاکمیت چنین روحیه‌ای بر حوزه‌های علمیه و علمای راستین بوده است، با این حال در گذر زمان عواملی موجب دور شدن حوزه و روحانیت از روحیهٔ انقلابی می‌شود که با شناخت درست و به موقع و آگاهی بخشی به جامعه روحانیت از افتادن در این ورطه که مانع از تحقیق رسالت ذاتی روحانیت می‌باشد بایستی پیشگیری کرد که مهم‌ترین این موارد عبارتند از: دنیاگرایی و خروج از زیّ‌طلبگی، فقدان یا ضعف آگاهی و تحلیل سیاسی، ضعف بصیرت سیاسی، نفوذ جریان‌های انحرافی، تعلقات و وابستگی‌های جناحی و گروهی و خانوادگی، غلبهٔ روحیهٔ محافظه‌کاری و بی‌تفاوتی نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی و ضعف ارتباط میان نیروهای انقلابی.

واژگان کلیدی: حوزهٔ علمیه، انقلاب اسلامی، حوزهٔ انقلابی.

---

*. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم و دستاوردها و نکوداشت آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری(ره) تألیف شده است.

**. دکتری مدرسی انقلاب اسلامی، srlatify@gmail.com

بررسی روند استحالهٔ حوزهٔ انقلابی و عوامل آن

یکی از ویژگی‌های بارز دین مبین اسلام، پیوند وثیقی است که در آن میان مباحث دینی با مسائل سیاسی و اجتماعی وجود دارد، به همین دلیل یکی از هدف‌گذاری‌های خداوند متعال برای پیامبرانش برپایی قسط و عدل در جامعه است، چنانکه قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْميزانَ لِيقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)، این آیه و آیات مشابه دیگر که جملگی بر لزوم برپایی قسط و عدل به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اهداف انبیا تأکید می‌کنند می‌تواند به‌عنوان «منشور رسالت انقلابی انبیا» بر روی زمین تلقی شود، با این حال این رسالت پیامبران تنها در وجود خود آنان منحصر و محصور نشده است، به همین دلیل این خط انقلابی‌گری از انبیای الهی به وارثان ایشان نیز به ارث رسیده و این وارثان موظفند این خط را دنبال نمایند و از آنجایی که براساس منابع معتبر روایی، علما ورثهٔ انبیا محسوب می‌شوند (کلینی، ج۱، ص۳۲) لذا می‌توان گفت «انقلابی‌گری» به‌عنوان یک ودیعه به علما و روحانیون به ارث رسیده است، به همین دلیل است که تاریخ اسلام همواره شاهد علمای آگاه، بیدار و مبارزی بوده که در راه حق و حقیقت جانانه مبارزه کرده و بسیاری از آنان شهد شهادت نوشیده‌اند[۱] تا جایی که حوزه‌های علمیه را می‌توان به نام حوزه‌های علم، جهاد، ایثار و شهادت نامگذاری کرد. شاهد بر این ادعا تاریخ معاصر کشور ماست که طی آن حوزه‌های علمیه همراه و همگام با رهبری انقلابی همچون امام خمینی‌رحمه‌الله قیام کرده و با تدارک انقلابی اسلامی، از یک سو بساط رژیم فاسد شاهنشاهی را برانداختند و از سوی دیگر نظامی بر پایه اسلام ناب محمدی‌صلی‌الله‌علیه‌وآله بنیانگذاری کردند؛ انقلابی که نقش روحانیون و حوزه انقلابی در آن به اندازه‌ای برجسته بود که دوست و دشمن مجبور به اعتراف به آن بوده‌اند، به‌عنوان مثال جان استمپل، از وابستگان سفارت امریکا در ایران، در کتاب خود دربارهٔ این موضوع می‌نویسد: «یك جنبهٔ مهم رشد حرکت انقلابی، مشارکت دائمی و فزاینده سازمان‌های شیعی مذهب ایرانیان در جنبش توده است. در کشور ۳۵ میلیونی ایران تقریباً ۸۰ تا ۹۰هزار مسجد و ۱۸۰ تا ۲۰۰هزار روحانی وجود دارند. سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای رساندن پیام از شهری به رهبران شهر دیگر، از طریق شبکه مسجد انجام می‌گرفت که توسط

روحانیون رده بالا، سازمان می‌یافت». (جان. دی. استمپل، ص۷۰)

همچنین تحلیل‌گری همچون یرواند آبراهامیان که نه تنها اندک ارادتی به روحانیت ندارد بلکه در سرتاسر تحلیل خود از روند انقلاب و جریان‌های فعال و تأثیرگذار در این رخداد عظیم تلاش می‌کند تا واقعیت را به نفع جریان‌های غیردینی و غیرروحانیت تحریف کند امّا در نهایت مجبور می‌شود اعتراف کند که «با این حال ستون فقرات نهضت (آیت‌الله) خمینی، طبقه متوسط سنتی، به‌خصوص بازاریان و روحانیت بود». (یرواند آبراهامیان، ص۴۹۲)

امام خمینی رحمه‌الله نیز بارها به نقش مهم روحانیت و حوزه‌های انقلابی در پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرده و فرموده‌اند: «در تمام این مراحل، روحانیت نقش اول داشت. ... آنکه ملت را بسیج کرد، آن روحانیون بودند؛ یعنی هر محله‌ای یك مسجد یا چهار تا مسجدی که دارد، چهار تا روحانی دارد، مردم به آن اعتقاد دارند. ... اگر این روحانیت را از این نهضت از اول برمی‌داشتیم، اصلًا نهضتی نمی‌شد مردم به کس دیگر گوش نمی‌دادند». (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج۱۱، ص۴۶۰)

در گزارشات ساواک نیز به صورت مکرر از فعالیت‌های تبلیغی روحانیت از طریق شبکه گسترده مساجد سراسر کشور یاد شده است که نمونه‌هایی از آن به این قرار می‌باشند:

«طبق اطلاع عده‌ای وعاظ و طلاب قم مطابق رویهٔ همهٔ ساله به شهرستان‌ها اعزام خواهند گردید که در دههٔ عاشورا ضمن روضه‌خوانی تبلیغاتی به نفع علما بنمایند. شایع است که طرفداران [آیت‌الله] خمینی، مشغول تهیهٔ لیستی از وعاظ طرفدار و مورد اطمینان می‌باشند که در روز عید غدیر ضمن عید دیدنی، آنان را راضی نمایند با دادن خرج سفر و حقوق به شهرستان‌ها اعزام شوند. ... روحانیونی که از قم و دیگر حوزه‌های علمیه به شهرستان‌ها و روستاهای دور افتاده اعزام می‌شوند، با بهره برداری از الگوهای عملی دین اسلامی نظیر قیام امام حسین علیه‌السلام در برابر دستگاه یزید مردم را به مبارزه با حکومت دعوت می‌کردند». (سلیمی، ۱۳۸۶، ص۱۱۶)

بر این اساس یکی از ویژگی‌های مهم حوزه‌های علمیه چه در طول تاریخ آن و چه در عصر حاضر در واقع انقلابی بودن به‌عنوان رسالت ذاتی آن می‌باشد، با این حال این واقعیت

را هم نمی‌توان کتمان کرد که در مقاطعی از تاریخ، از این ظرفیت بهره‌ای برده نشده است و گاهی حتی حالت رکود و رخوت در حوزه‌ها حکمفرما گردیده است. وجود چنین حالاتی در حوزه‌های علمیه هر چند به‌معنای نبود تفکر انقلابی در جوهرهٔ حوزه‌ها نمی‌باشد، امّا حاکی از این است که می‌توان به رغم وجود جوهرهٔ تفکر انقلابی، حالتی را در حوزه‌های علمیه تصور کرد که کارکردهای انقلابی آن به حاشیه رفته و یا به‌گونه‌ای از رفتارها چنین تصور شود که گویی فاقد تفکر انقلابی است و این یک زنگ خطر بسیار مهمی است، به همین دلیل مقام‌معظم‌رهبری بارها به این مسئله اشاره کرده و خواستار تداوم حوزه انقلابی شدند: «اگر بخواهیم نظام اسلامی ... انقلابی بماند، اسلامی بماند، حوزهٔ قم باید انقلابی بماند؛ اگر حوزهٔ قم انقلابی نمانَد، حوزه‌های علمیّه اگر انقلابی نماندند، نظام در خطر انحراف از انقلاب قرار خواهد گرفت. من این را به شما عرض کنم: حوزهٔ قم پشتوانه است. حرف من این است که می‌گویم حوزهٔ علمیّهٔ قم بایستی به‌عنوان یک حوزهٔ انقلابی، به‌عنوان مهد انقلاب، به‌عنوان آن کورهٔ آتشفشانی که همین‌طور دارد انرژی انقلابی را صادر می‌کند از خودش، حضور داشته باشد و ظهور داشته باشد... مسئله انقلابی‌گری در حوزهٔ قم در معرض خطر است؛ این را باید توجّه کنید». (بیانات مقام‌معظم‌رهبری، ۹۴/۱۲/۲۵)

علت تأکیدات مقام‌معظم‌رهبری بر تداوم انقلابی‌گری در حوزه‌های علمیه از همین فرمایش و فرمایشات دیگر معظم‌له کاملاً مشخص است و به رابطه تنگاتنگ میان نظام اسلامی و حوزه‌های علمیه باز می‌گردد چرا که نظام اسلامی بدون وجود حوزه انقلابی که هم از آن پشتیبانی نماید و هم به تئوری‌پردازی و ارائه طرح و برنامه برای پیشبرد اهداف حکومت اسلامی کمک نماید، فاقد معنا و مفهوم بوده و به‌تدریج از محتوای دینی خود خالی خواهد شد، در همین زمینه مقام‌معظم‌رهبری می‌فرماید: «گفتیم نظام مستظهر به حوزه‌های علمیه است، به‌خاطر این است که نظریه‌پردازی سیاسی و نظریه‌پردازی در همه جریان‌های ادارهٔ یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده علمای دین است. آن کسانی می‌توانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند. اگر جای این نظریه‌پردازی پر نشد، اگر علمای دین این کار را نکردند،

نظریه‌های غربی، نظریه‌های غیردینی، نظریه‌های مادی جای آن‌ها را پر خواهد کرد. هیچ نظامی، هیچ مجموعه‌ای در خلأ نمی‌تواند مدیریت کند؛ یک نظام مدیریتی دیگری، یک نظام اقتصادی دیگری، یک نظام سیاسی دیگری که ساخته و پرداختهٔ اذهان مادی است، می‌آید جایگزین می‌شود؛ همچنان که در آن مواردی که این خلأها محسوس شد و وجود داشت، این اتفاق افتاد... امروز شبهه‌هائی مطرح می‌شود که آماج آن شبهه‌ها نظام است. شبهات دینی، شبهات سیاسی، شبهات اعتقادی و معرفتی در متن جامعه تزریق می‌شود ـ بخصوص در میان جوانان ـ ... لذا برطرف کردن این شبهه‌ها، مواجهه با این شبهه‌ها، پاک کردن این غبارها از ذهنیت جامعه ـ که به وسیله علمای دین انجام می‌گیرد ـ یک پشتوانه دیگر برای نظام اسلامی است». (بیانات مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۸۹/۷/۲۹)

در این میان ضعیف شدن تفکر انقلابی در حوزه‌های علمیه در قالب‌های مختلفی خودنمایی می‌کند به طوری که گاه عیان و گاه پنهان است، در شکل عیان، این مسئله در قالب کناره‌گیری حوزویان از ورود در مسائل سیاسی و اجتماعی و در بالاترین سطح آن ترویج تفکر سکولاریسم و جدایی دین و سیاست رخ می‌نماید، البته پیشینه چنین تفکر منحط و غلطی به سالها قبل باز می‌گردد و روحانیون آگاه و بیداری همچون حضرت امام خمینی‌ﷺ در برابر آن واکنش نشان داده و مروّجان آن را کسانی می‌دانستند که اسلام را نمی‌شناسند: «از اول القا کرده‌اند این اجانب در اذهان ما و حکومتها در اذهان ما که اسلام [و] آخوند چه کار دارد به سیاست. فلان آخوند را وقتی عیبش را می‌گیرند می‌گویند: آخوند سیاسی است! ... این‌ها اسلام را نشناخته‌اند». (امام خمینی،۱۴۲۱ق، ج۳، ص۲۲۷)

تفکر جدایی دین از سیاست با فعال شدن حوزه انقلابی در دهه ۴۰ و ۵۰ و مشارکت گستردهٔ حوزه‌های علمیه در جریان تحولات منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی عملاً به حاشیه رفت، با این حال در سال‌های اخیر شاهد تحرکاتی هستیم که تلاش می‌کند تا به وجوه متعدد بار دیگر این تفکر را به صحنه بازگردانند، با این تفاوت که این بار این جریان‌ها به صورت سازمان یافته و گاه متصل به سرویس‌های دشمنان اسلام عمل می‌کنند، یکی از نمادهای این جریان گروه‌هایی هستند که در قالب ادعای سنت‌گرایی بر تفکیک اسلام و سیاست تأکید می‌کنند و البته دیدگاه‌های خود را از طریق رسانه‌های دشمنان نظام اسلامی

همچون صدای آمریکا و تلویزیون بی بی سی و چندین کانال ماهواره‌ای مستقر در اروپا و آمریکا اعلام می‌کنند و ازاین‌رو جزء جریانات معاند با نظام اسلامی محسوب می‌شوند. البته در همین جریان ممکن است افراد و گروه‌هایی باشند که بدون عنادی خاص نسبت به نظام اسلامی و صرفاً به دلیل اینکه به لحاظ تئوریک به اسلام انقلابی اعتقادی ندارند و یا به لحاظ شخصی تمایلی برای فعالیت و ابراز نظرهای سیاسی ندارند، جریان غیرانقلابی محسوب شوند که حساب این‌ها را باید از جریانات معاند تفکیک کرد.

حوزهٔ غیرانقلابی وجه دیگری نیز دارد که برخلاف وجه اول چندان جلوهٔ عیانی ندارد و حتی می‌توان گفت افراد وابسته به آن سابقهٔ انقلابی هم دارند و آن عبارت است از حوزویانی که روزگاری انقلابی بودند امّا اکنون استحاله شده و با تفکرات و رفتار انقلابی زاویه پیدا کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که این جریان اگر چه در ظاهر طرفدار پیوند دین و سیاست است و اگر چه اعضای آن همواره در لیست حوزهٔ انقلابی قرار داشته‌اند امّا به مرور زمان مواضعی اتخاذ کرده و رفتارهایی از خود نشان می‌دهند که دشمنان نظام و انقلاب بیشترین سوءاستفاده را از آن می‌کنند و به نظر می‌رسد خطر این جریانات بیش از گروه اول باشد؛ چرا که گروه اول یا آشکارا در صف مخالفت با نظام اسلامی قرار دارد و یا اینکه اساساً تمایلی برای ورود به مباحث سیاسی ندارد، امّا این گروه از یک سو ادعا می‌کند که جریانی است انقلابی ولی از سوی دیگر مواضعی اتخاذ می‌کند که چندان نسبتی با ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب نداشته و به‌همین دلیل باعث غبارآلودشدن فضا و نوعی سردرگمی در میان نیروهای انقلاب می‌گردد و بالاتر اینکه دشمنان را نسبت به این نیروها امیدوار می‌گرداند، به‌طوری که گاه اهداف خود را از زبان این گروه‌ها بیان می‌کنند.

این گروه به دو شکل به تضعیف جبهه انقلاب و امیدواری دشمنان کمک می‌رسانند: نخست به شکل اظهارنظرهایی با محتوای غیرانقلابی و دشمن‌شادکن که گاه ممکن است با نیات به ظاهر خیر نیز صورت گیرد و دوم با سکوت در شرایطی که ارزش‌های انقلابی و به‌ویژه نظام اسلامی در معرض خطر دشمنان قرار دارد، درست برخلاف تعهد و وظیفه‌ای که انقلابی بودن بر دوش یک فرد انقلابی می‌گذارد، همچون دوران فتنه ۸۸ که طی آن بخشی از نیروهای منتسب به انقلاب با مواضع فتنه‌گون خود به فتنه افروزی مشغول بودند و

بخشی دیگر نیز با سکوت مرگبار خود به جای روشن کردن حقایق بر غبار فتنه می‌افزودند. حال در چنین شرایطی اگر حوزه‌های علمیه نیز به جای روشنگری بر اساس وظایف شرعی و دینی خود، یا با جریان‌های ضد انقلابی همراهی نمایند و یا گوشهٔ انزوا گزیده و حاضر به راهنمایی جامعه به مسیر درست نشوند عملاً در مسیر دشمنان انقلاب قرار گرفته‌اند و لو اینکه در ظاهر چنین هدفی را نداشته باشند و به نظر می‌رسد زمانی که مقام‌معظم‌رهبری حوزه‌های علمیه را خطاب کرده و هشدار می‌دهد که: «مسئلهٔ انقلابی‌گری در حوزهٔ قم در معرض خطر است» (بیانات مقام‌معظم‌رهبری، ۹۴/۱۲/۲۵) مقصود چنین روندی از تضعیف انقلابی‌گری حوزه‌ها باشد که در قالب استحاله حوزه‌ها از فرهنگ انقلابی و نیز کنارکشیدن حوزویان از دخالت در مسائل انقلاب خود را نمایان می‌سازد که توجه به این مسئله به‌ویژه از جانب نخبگان همواره مورد تأکید مقام‌معظم‌رهبری بوده است: «نخبگان ما هوشیار باشند ... خیلی باید مراقب باشیم: مراقب حرف زدن، مراقب موضع‌گیری کردن، مراقب گفتن‌ها، مراقب نگفتن‌ها. یک چیزهائی را باید گفت؛ اگر نگفتیم، به آن وظیفه عمل نکرده‌ایم. یک چیزهائی را باید بر زبان نیاورد، باید نگفت؛ اگر گفتیم، برخلاف وظیفه عمل کرده‌ایم». (بیانات مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۹)

از طرفی عوامل متعددی وجود دارند که باعث می‌شوند تا روند استحاله حوزهٔ انقلابی به حوزهٔ غیرانقلابی اتفاق بیافتد که در ادامه به برخی از مهم‌ترین این موارد اشاره می‌کنیم:

۱. دنیاگرایی و خروج از زی‌طلبگی

از بزرگ‌ترین آفت روحانیت در طول تاریخ دنیاگرایی و خروج از زی‌طلبگی بوده و نقش مهمی در موضع‌گیری و رفتار آن‌ها به‌ویژه در قبال مسائل ارزشی و انقلابی که نیازمند گذر از دنیا می‌باشد داشته است؛ آفتی که حضرت امام رحمه‌الله بارها نسبت به آن هشدار می‌دادند: «من متواضعانه و به‌عنوان یك پدر پیر از همهٔ فرزندان و عزیزان روحانی خود می‌خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منّت نهاده است و ادارهٔ کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محوّل فرموده است، از زیّ روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند

و برحذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست». (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج۲۰، ص۳۴۲)

مقام‌معظم‌رهبری نیز حفظ زیّ طلبگی از سوی حضرت امام خمینی‌ﷺ را افتخار نظام اسلامی دانسته (بیانات مقام‌معظم‌رهبری،۱۳۶۹/۳/۱۴) و در جایی دیگر حفظ جایگاه روحانیت و اعتبار آن از سوی مردم را منوط به بی‌اعتنایی به دنیا می‌داند: «روحانی آن وقتی سخن نافذ خواهد داشت که عملاً نشان دهد به زخارف دنیا بی‌اعتناست و آن حرصی که بر دل‌های دنیاداران و دنیامداران حاکم است بر او حاکم نیست. این را باید به مردم نشان بدهیم. روحانیت در سایه پارسایی بود که این حیثیت و آبرو را پیدا کرد. این پارسایی و بی‌اعتنایی به دنیا و به زخارف باید حفظ شود». (بیانات مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۶۹/۱۲/۲۲)

۲. فقدان یا ضعف آگاهی و تحلیل سیاسی

این مسئله بیشتر در مورد طلاب تازه وارد و یا کسانی که کمتر درگیر مسائل سیاسی شده‌اند اتفاق می‌افتد و باعث می‌شود تا در مواقع حساس، یا طلاب اساساً خود را درگیر نسازند و یا به دلیل ضعف داده‌ها و نیز بنیان‌های تحلیلی دچار اشتباه محاسباتی شوند و در نهایت دشمنان انقلاب بیشترین سوءاستفاده را از این مسئله بکنند، به همین دلیل مقام‌معظم‌رهبری همواره بر عنصر «آگاهی سیاسی» و ارائهٔ تحلیل‌های سیاسی درست از سوی حوزه‌های علمیه به طلاب و روحانیون تأکید داشته و معتقدند: «اگر شما تحلیل سیاسی را به جوان حوزه ندادید، کسی که با راه‌اندازی جریان سیاسی به فکر سوءاستفاده و طعمه‌طلبی است ... می‌آید از این ناتوانی درک سیاسی و تحلیل سیاسی حداکثر سوءاستفاده را می‌کند. این خسارت است؛ بنابراین شما ناچارید. باید به طلاّب، آگاهی‌های سیاسی و قدرت فهم و تحلیل سیاسی بدهند. طلبه باید بداند که تحرّکات دشمن در قبال شوکتی که امروز اسلام پیدا کرده است، چیست و چگونه است». (بیانات مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴)

۳. ضعف بصیرت سیاسی

ضعف بصیرت سیاسی که مرتبه‌ای فراتر از آگاهی سیاسی است و مربوط به درک درست حقایق می‌باشد، به عبارت دیگر بصیرت، عبارتست از نیرویی که به انسان قدرت تشخیص درست و به موقع داده و او را در زمانهٔ انتخاب یاری می‌نماید. در قرآن کریم خداوند دعوت

به دین را دعوت همراه با بصیرت معرفی کرده و می‌فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَاْ وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَ سُبْحَانَ اللّهِ وَمَا أَنَاْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، بگو: این راه من است من و پیروانم، و با بصیرت کامل، همهٔ مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم! منزّه است خدا! و من از مشرکان نیستم!». (یوسف: ۱۰۸)

همچنین در قرآن کریم از هشدارهایی سخن به میان می‌آورد که اهل بصیرت با درک آن‌ها به رستگاری می‌رسند و اهل بی‌بصیرتی که خود را به نادیدن و کوری می‌زنند در اثر ندیدن به گمراهی می‌افتند «قَدْ جَاءكم بَصَآئِرُ مِن رَّبِّكمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِي فَعَلَيهَا؛ به‌راستی رهنمودهایی از جانب پروردگارتان برای شما آمده است. پس هر کس با دیده بصیرت بنگرد، به سود خود او و هر کس به دیدهٔ بصیرت ننگرد، به ضرر خود اوست». (انعام: ۱۰۴)

همین عامل در کوران حوادث سیاسی و به‌ویژه حوادث فتنه‌گون باعث می‌شود تا برخی علیرغم علم و آگاهی‌های لازم، به دلیل فقدان عنصر بصیرت دچار اعوجاج در فکر و رفتار شده و به تدریج از مواضع انقلابی خود عدول نمایند و آنان که از این قوه برخوردار و بهره‌مندند بر سر مواضع انقلابی خویش ایستادگی نمایند.

۴. نفوذ جریان‌های انحرافی

نفوذ جریان‌های انحرافی و نیز القائات این جریان‌ها که در نهایت باعث ارائهٔ تحلیل‌های غلط به برخی علما و روحانیون و دور شدن آن‌ها از عرصهٔ انقلاب و انقلابی‌گری می‌شود که ماجرای نفوذ باند مهدی هاشمی و نیز لیبرال‌ها و منافقین در بیت مرحوم آیت‌الله منتظری و مواضعی که ایشان در حمایت از این گروه‌های منحرف ضد انقلاب داشتند شاهدی بر این مسئله بود و به همین دلیل حضرت امام رحمه‌الله در سال‌های آخر عمر شریف خود بر مسئلهٔ بیوت علما و مراجع و خطری که از این ناحیه می‌تواند هم خود و روحیه انقلابی آن‌ها و هم اسلام را تهدید نماید تأکید داشتند؛ چنانکه در پیام به نمایندگان مجلس خبرگان رهبری اینگونه می‌فرمودند: «شما که خود را پیروان اصحاب وحی و اولیاء عظیم الشأن می‌دانید و بحمدالله هستید، خود را جز خدمتگزار به ملت‌های ستمدیده ندانید و باید بدانید که تبهکاران و جنایت پیشگان بیش از هرکس چشم طمع به شما دوخته‌اند، و با اشخاص

منحرفِ نفوذی در بیوت شما، با چهره‌های صددرصد اسلامی و انقلابی، ممکن است خدای نخواسته فاجعه به بار آورند، و با یك عمل انحرافی نظام را به انحراف کشانند، و با دست شما به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی زنند. اللّه، اللّه، در انتخاب اصحاب خود».

۵. تعلقات و وابستگی‌های جناحی، گروهی، خانوادگی

برخی افراد و لو در سطح علما و روحانیون بخاطر تعلقات و وابستگی‌های جناحی، گروهی، خانوادگی در تحلیل‌ها و رفتارهای خود به تدریج از مواضع انقلابی خود عقب‌نشینی می‌کنند، به‌عنوان مثال رسیدگی به اتهامات یکی از وابستگان و یا مواضعی که دوستان هم گروه و هم جناح گذشته و حال می‌گیرند در کنار تمایلات عاطفی به این جریان‌ها و افراد در مجموع سبب می‌شود تا برخی به جای عمل به تکلیف شرعی و انقلابی خود، مواضع و گاه افکار خود را نسبت به جریان انقلابی تغییر دهند و نوعی استحاله را در درون خود کلید بزنند که ثمرهٔ آن را جز دشمن، کس دیگری بهره‌برداری نمی‌کند، این در حالی است که در منابع دینی همواره از تعصبات کور و جاهلی پرهیز داده شده [۲] و به جای آن توصیه شده است تا انسان‌ها به آنچه حق و حقیقت است چنگ بزنند.

۶. غلبهٔ روحیهٔ محافظه‌کاری و بی‌تفاوتی نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی

بعضی از نیروهای انقلاب، اگر چه در مقطع زمانی خاصی سرشار از انرژی و حساس نسبت به رخدادهای سیاسی و اجتماعی پیرامون خود هستند امّا به مرور زمان و به دلایل مثل دل‌مشغولی به روزمرگی‌ها به‌تدریج نسبت به چنین تحولاتی بی‌تفاوت می‌شوند و گاه چنان به این بی‌تفاوتی عادت می‌کنند که به‌طور کلی این خصیصه در درون آن‌ها نهادینه شده و تبدیل به فرد و یا جریان حوزوی غیرانقلابی می‌شوند، به همین دلیل مقام‌معظم‌رهبری همواره به این ماجرا هشدار داده و می‌فرماید: «حاشیه نشین شدن حوزهٔ علمیهٔ قم و هر حوزهٔ علمیه دیگری به حذفشدن می‌انجامد. وارد جریانات اجتماع و سیاست و مسائل چالشی نبودن به‌تدریج به حاشیه رفتن و فراموش‌شدن و منزوی‌شدن می‌انجامد». (بیانات مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۸۹/۷/۲۹)

۷. ضعف ارتباط میان نیروهای انقلابی

این مسئله نیز عمدتاً به دلیل ضعف تشکیلات در حوزه‌های علمیه و مشغولیت‌های طلبگی

روزمره همچون درس و بحث در میان طلاب و روحانیون می‌تواند خود را نشان داده و باعث شود تا با غلبهٔ روزمرگی بر فضای فکری طلاب، به‌تدریج شور و هیجان اولیه را از دست داده و در ادامهٔ روحیات انقلابی آنان افول نماید. به همین دلیل برخی چهره‌های فکری انقلاب از همان ابتدای پیروزی انقلاب بر ضرورت کار تشکیلاتی و ایجاد همبستگی میان نیروهای انقلاب تأکید داشتند، در همین راستا شهید بهشتی معتقد بود: «وقتی انقلاب پیروز می‌شود نوبت به تداوم انقلاب، نوبت به مدیریت، نوبت به برنامه‌ریزی در زمینه‌های مختلف روحی و معنوی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، بهداشت و امثال آن‌ها می‌رسد .... مسئله این است که ادارهٔ یک جامعه، امروز تشکیلات مملکتی است و این تشکیلات اگر خط فکری اسلامی اصیل، خط سیاسی کاملاً مستقل و نقطه نظرهای کاملاً حساب شده و صحیح و روشن اقتصادی و اجتماعی نداشته باشد نمی‌تواند کار یک تشکیلات را خوب انجام بدهد، نمی‌تواند عمل هماهنگ بوجود بیاورد، نمی‌تواند در برابر مسائل و مشکلات فراوانی که در زندگی امروز بشر هست، راه حل‌های متناسب و هماهنگ عرضه کند و حتی در مقابله با دشمن هم نمی‌تواند خوب عمل کند و عکس‌العمل مناسب و هماهنگ داشته باشد ...»، با توجه به چنین مبنایی ضرورت وجود تشکیلات در میان حوزه و روحانیت در جهت حفظ، انسجام و تشکّل‌بخشی به نیروهای انقلاب از یک سو و تداوم روحیهٔ انقلابی آنان از سوی دیگر یک امر ضروری می‌باشد.

نتیجه‌گیری

انقلابی‌گری از جمله رسالت‌های انبیای الهی می‌باشد که به‌عنوان میراثی پایدار و ماندگار به وارثان حقیقی انبیا؛ یعنی حوزه‌های علمیه و روحانیت به یادگار مانده است و تاریخ اسلام همواره شاهد حاکمیت چنین روحیه‌ای بر حوزه‌های علمیه و علمای راستین بوده است، با این حال در گذر زمان عواملی موجب دور شدن حوزه و روحانیت از روحیه انقلابی می‌شود که با شناخت درست و به‌موقع و آگاهی بخشی به جامعهٔ روحانیت از افتادن در این ورطه که مانع از تحقیق رسالت ذاتی روحانیت می‌باشد، بایستی پیشگیری کرد که مهم‌ترین این موارد عبارتنداز: دنیاگرایی و خروج از زیّ‌طلبگی، فقدان یا ضعف آگاهی و تحلیل سیاسی، ضعف بصیرت سیاسی، نفوذ جریان‌های انحرافی، تعلقات و وابستگی‌های جناحی و گروهی و خانوادگی، غلبهٔ روحیهٔ محافظه‌کاری و بی‌تفاوتی نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی و ضعف ارتباط میان نیروهای انقلابی.

پی‌نوشت

[۱]. رک: شهداء الفضیله، عبدالحسین امینی(علامه امینی)، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.

[۲]. به‌عنوان نمونه در اصول کافی امام صادق‌ﷺ می‌فرمایند: «هر کس که تعصب داشته باشد رشته ایمان را از گردن خود باز کرده است»، اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب العصبیة، حدیث ۱.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام‌معظم‌رهبری، **بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزهٔ علمیهٔ قم**، ۱۳۸۹/۷/۲۹.

۲. ـــــــــــ **بیانات در اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی**رحمه‌الله، ۱۳۶۹/۳/۱۴.

۳. ـــــــــــ **بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزهٔ علمیهٔ قم در مدرسهٔ فیضیهٔ**، ۱۳۷۹/۷/۱۴.

۴. ـــــــــــ **بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزهٔ علمیهٔ قم**، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵.

۵. ـــــــــــ **بیانات در دیدار جمعی از روحانیون**، ۱۳۶۹/۱۲/۲۲.

۶. ـــــــــــ **بیانات در سالروز عید مبعث**، ۱۳۸۸/۴/۲۹.

۷. جان. دی. استمپل، **درون انقلاب اسلامی**، ترجمهٔ منوچهر شجاعی، تهران: رسا، ۱۳۷۷.

۸. رواند، آبراهامیان، **ایران بین دو انقلاب**، ترجمهٔ کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آور و محسن مدیر شانه‌چی، چاپ دوم، تهران: مرکز، ۱۳۷۸.

۹. سلیمی، حشمت‌الله، **مبارزات روحانیون و وعاظ مساجد به روایت اسناد**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

۱۰. شورای پژوهشگران بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، **احزاب سیاسی در ایران، تحزّب از نگاه آیت‌الله شهید بهشتی**، قم: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.

۱۱. کلینی، محمدبن‌یعقوب، **الکافی**، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۳.

۱۲. موسوی‌خمینی، سیدروح‌الله، **صحیفه امام**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی رحمه‌الله، ۱۴۲۱ق.